



فصل نامه تحلیلی-انتقادی حوزه • شماره بیست و یکم • تابستان ۱۴۰۲

درآمدی بر نقش آیت‌الله العظمی میلانی قدس سره در مبارزه با بهائیت



محمد غفوری نژاد
(عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب)

این نوشتار بر یکی از ابعاد تاریخ زندگی و سیره حضرت آیت‌الله العظمی میلانی قدس سره پرتو می‌افکند که کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. این مطالعه نشان می‌دهد آن زعیم والامقام به مبارزه با فرقه انحرافی بهائیت همت گماشتند و در این راستا اقدامات مختلفی را انجام دادند که مهمترین آنها عبارتند از: سازماندهی علما و طلاب و انگیزه‌بخشی به آنان، توجیه نخبگان علمی و اجتماعی، استفاده از همه ظرفیت‌های مرجعیت حتی مجالس مذهبی برپاشده در بیت ایشان، برگزاری باشکوه جشن‌های نیمه شعبان، راهبری و اشراف بر برخی اشخاص و تشکل‌های فعال ضدبهائیت، تجلیل از بهاییان مستبصر، فتوا به محدودیت ارتباط با بهاییان و منع خرید کالاهایی که سود آن به پیروان این فرقه ضاله می‌رسد و در نهایت تربیت شاگردان و اعزام آنان به مناطق تحت تأثیر بهائیت. در پایان این نوشتار مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر غفوری نژاد، یکی از شاگردان کمتر شناخته شده آیت‌الله میلانی -که تحت اشراف آن مرحوم فعالیت چشمگیری در مبارزه با دیانت ساختگی بهایی داشتند- معرفی می‌شود و برخی اسناد و مکاتبات مربوط به آن دو مرحوم، برای نخستین بار منتشر می‌گردد.

۱. پیشینه مبارزه با بهائیت

حوزه‌های علمی شیعه از زمان ظهور فتنه بابیت و بهائیت، همواره با این جریان‌های انحرافی انشعابیافته از تشیع سرستیز داشته‌اند و از مبارزه فکری و فرهنگی با آنها بازننشسته‌اند.

در قرن اخیر آیت‌الله سید حسین طباطبایی بروجردی (ف ۱۳۴۰) پیش از تصدی راهبری حوزه علمی قم مبارزه با بهائیان را آغاز کرده بود. براساس نقلی، زمانی که آن مرحوم در بروجرد اقامت داشت، چند نفر بهایی در این شهر سکونت داشتند و مردم را گمراه می‌کردند. آن مرحوم از متصدیان وقت شهر خواست که این افراد را اخراج کنند، ولی متصدیان کوتاهی کردند. از آنجاکه ایشان مایل نبود برای این موضوع به تهران متوسل شود، به نشانه اعتراض از شهر خارج شد. در نتیجه این اقدام مرجع عالی‌قدر جهان تشیع، مردم بروجرد تظاهراتی برپا کردند و شهر به هم ریخت. کار به جایی رسید که بهائیان بروجرد شبانه از ترس جان خود از شهر گریختند. آیت‌الله بروجردی پس از بازگشت به شهر، خروج بهائیان را کافی ندانست و از آنجاکه بهائیان بروجرد جمعی را گراه کرده بودند و افکار عده‌ای از مردم تحت‌تأثیر شبهه‌پراکنی‌های آنان قرار گرفته بود، وظیفه خود دانست برای پاسخ به شبهات آنان یک ماه رمضان درباره امام زمان (عج) منبر برود. همان بحث‌ها بود که زمینه تألیف کتاب منتخب الاثر توسط مرحوم آیت‌الله صافی

گلپایگانی گردید.^۱

مبارزه حوزه علمی شیعه با بهائیان پس از ارتحال آیت‌الله بروجردی نیز ادامه یافت. از جمله عالمانی که در این مسیر با جدیت وارد صحنه شد مرحوم آیت‌الله سید هادی میلانی (ف ۱۳۵۴) از مراجع تقلید مقیم مشهد بود. مطالعه‌ای در تاریخ معاصر و بررسی اسناد بر جای مانده از دوره زعامت این فقیه عالی‌قدر نشان می‌دهد معظم‌له تا چه حد در مبارزه با این جریان انحرافی، کوشش پیگیر کرده است. در این مطالعه تلاش شده است نمونه‌هایی از اقدامات آن مرحوم در این زمینه گزارش گردد.

مبارزه با بهائیت از نخستین سال‌های اقامت در مشهد مقدس

زندگی آیت‌الله العظمی میلانی را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

۱. دوران نجف به مدت ۴۳ سال که از ولادت، یعنی سال ۱۳۱۳ قمری، تا ۱۳۵۶ قیامت ادامه دارد؛
۲. دوران کربلا به مدت ۱۷ سال که از سال ۱۳۵۶ قیامت تا سال ۱۳۷۳ قیامت به مشهد مقدس، ادامه یافت. سبب مهاجرت ایشان از نجف به کربلا، ابتلای ایشان و همسرشان به بیماری تب شدید بود.
۳. دوران مشهد که از روز عرفه سال ۱۳۷۳ مصادف با ۱۸ مرداد ۱۳۳۲ آغاز شد و تا پایان عمر معظم‌له در ۲۹ رجب ۱۳۹۵ مصادف با ۱۷ مرداد ۱۳۵۴ شمسی ادامه

یافت.^۲

بر اساس نقلی^۳، در ماه مبارک رمضان ۱۳۷۴ هجری قمری (مصادف با ۱۳۳۴ هجری شمسی) همزمان با نخستین سال اقامت آیت الله میلانی در مشهد مقدس، مرحوم حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمدتقی فلسفی (م ۱۴۱۹) به امر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی در مسجد سلطانی تهران منبر می رفت. وی در سخنرانی های خود به شدت از فرقه ضاله بهائیت انتقاد می کرد و از فعالیت آنان در داخل و خارج ایران و فساد و فتنه انگیزی شان

پرده برمی داشت. وی به شاه و دولت هشدار داد برای جلوگیری و سرکوبی این فرقه ساختگی و وابسته به اسرائیل اقدام نمایند و موضع خود را در این باره روشن کنند.

مرحوم آیت الله بروجردی از علمای شهرستان ها نیز خواست آنها هم از پای ننشینند و علیه فرقه ضاله بهائیت اقدام کنند. در این راستا آیت الله میلانی با سلسله ای از اقدامات، ندای مرجعیت عظمای شیعه را لبیک گفت. وی ابتدا با تشکیل جلسه ای که در آن آقایان حاج میرزا احمد کفایی، حاج میرزا حسین فقیه سبزواری و حاج آقا حسین قمی حضور داشتند، طی سخنانی نظر آیت الله

بروجردی را مطرح کرد و آقایان به اتفاق کلمه اظهار داشتند باید آیت الله بروجردی را در این امر مهم یاری کرد.

در جلسه دوم از علما و مدرسین حوزه دعوت کرد و با حضور آقایان حاج شیخ کاظم دامغانی، شیخ هاشم قزوینی، شیخ مجتبی قزوینی، میرزا جواد تهرانی، شیخ حسنعلی مروارید و آقا میرزا احمد مدرس یزدی مقرر شد آقایان در درس ها، ذهن طلاب را متوجه این خطر بزرگ کنند.

جلسه سوم نیز با حضور جمعی از اساتید دانشگاه تشکیل گردید که آیت الله میلانی در این جلسه اظهار داشت: این اقدام و حرکت، تنها جنبه دینی ندارد، بلکه جنبه سیاسی و مملکتی نیز دارد. مصلحت نیست عمال بیگانه بر مملکت تسلط داشته باشند و باید دست آنان از مداخله و تسلط بر امور مسلمین کوتاه گردد. در جلسه چهارم از برخی تجار و کسبه خراسان دعوت شد و آیت الله میلانی در اجتماع آنان فرمود: معامله با بهاییان جایز نیست و مورد رضایت حضرت ولی عصر علیه السلام نمی باشد.

رژیم پهلوی از این موضع گیری آیت الله میلانی عصبانی شد و پیغام های

در ماه مبارک رمضان ۱۳۷۴ هجری قمری (مصادف با ۱۳۳۴ هجری شمسی) همزمان با نخستین سال اقامت آیت الله میلانی در مشهد مقدس، مرحوم حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمدتقی فلسفی (م ۱۴۱۹) به امر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی در مسجد سلطانی تهران منبر می رفت. وی در سخنرانی های خود به شدت از فرقه ضاله بهائیت انتقاد می کرد و از فعالیت آنان در داخل و خارج ایران و فساد و فتنه انگیزی شان پرده برمی داشت. وی به شاه و دولت هشدار داد برای جلوگیری و سرکوبی این فرقه ساختگی و وابسته به اسرائیل اقدام نمایند و موضع خود را در این باره روشن کنند.

تهدیدآمیزی برای‌شان فرستاد، اما ایشان به فعالیت‌های خود ادامه داد.^۴

آیت‌الله میلانی در پنجمین جلسه در حضور اعضای کانون نشر حقایق اسلام، انجمن تبلیغات اسلام و انجمن پیروان قرآن فرمود: نظر به اینکه جوانان و افراد تحصیل‌کرده در انجمن‌ها هستند، وظیفه دارید خطر فرقه ضاله را برای آنان بیان کنید و در مبارزه از این جوانان بهره بگیرید.

آیت‌الله میلانی در جلسه ششم و در جمع وعاظ و گویندگان خراسان که آقایان شیخ مرتضی شهیدی عیدگاهی، شیخ عبدالله یزدی، شیخ علی اکبر مدقق، شیخ محمد محدث و سید عبدالحسین ضیاء از جمله آنان بودند، فرمود: آیت‌الله بروجردی پرچمدار اسلام هستند. یاری ایشان، یاری دین و مذهب و مملکت است، پیام ایشان را به مردم برسانید و در این امر مهم یاری‌شان نمایید.

در همین راستا آیت‌الله میلانی با علمای شهرستان‌های خراسان مکاتبه کردند و موضوع را به اطلاع آنان رساندند. پیرو همین پیگیری‌ها در ماه مبارک ۱۳۷۴ قمری مصادف با ۱۳۳۴ شمسی در استان خراسان، تبلیغ علیه بهائیت اوج گرفت و کار به جایی رسید که بسیاری از افراد این فرقه ضاله از خراسان فرار کردند.

از جمله عالمانی که در این مسیر (مبارزه با بهائیت) با جدیت وارد صحنه شد مرحوم آیت‌الله سید هادی میلانی (ف ۱۳۵۴) از مراجع تقلید مقیم مشهد بود. مطالعه‌ای در تاریخ معاصر و بررسی اسناد بر جای مانده از دوره زعامت این فقیه عالی‌قدر نشان می‌دهد معظم‌له تا چه حد در مبارزه با این جریان انحرافی، کوشش پیگیر کرده است.

در همان سال آیت‌الله سید یونس اردبیلی (م ۱۳۳۷ هـ) به زیارت عتبات عالیات عراق مشرف شد و در بازگشت به قم، با مرحوم آیت‌الله بروجردی ملاقات نمود و علت این همه مبارزه علیه فرقه ضاله بهائیت را از ایشان پرسید. معظم‌له پاسخ داد: همه مشاغل حساس را بهاییان گرفته‌اند و اقتصاد ایران در اختیارشان است. در محافل و مجالس‌شان آشکارا تبلیغ می‌کنند و نزدیک است

مملکت را به سقوط بکشانند.

در پی موضع‌گیری‌های قاطع و هماهنگ فقهای بزرگوار شیعه و افشاگری به موقع وعاظ، به ویژه مرحوم فلسفی، رژیم به تنگ آمد و در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۳۴ سرتیپ تیمور بختیار، که در آن دوران فرماندار نظامی بود، به اتفاق سرلشکر باتمان قلیچ، رییس ستاد ارتش، با شش کامیون سرباز مسلح به سمت «حضیره القدس» محفل و محل اجتماع بهاییان راه افتادند و آنجا را اشغال کردند.

برای کارشناسان امور سیاسی روشن بود و از تبلیغات رادیوهای بیگانه و موضع‌گیری رژیم غاصب قدس و دیگر محافل صهیونیستی و غربی استفاده می‌شد که این اقدام رژیم، حرکتی صوری و انحرافی بود. از همین رو اقدام مؤثری نسبت به تخریب

است و آن بزرگواران «ضمن تلاش‌هایی که ظاهراً در پوشش تحکیم دین مبین اسلام - مبارزه با مسلک بهایی - مخالفت با سیاست دولت اسرائیل در ایران معروف می‌گردد، [به] جمع‌آوری وجوهاتی از طرف طبقات مختلف مشغول بوده‌اند و زمینه را برای مبارزه آینده خود با دولت و تهیه مقدمات جهاد فراهم می‌کنند.»

در قسمت دیگری از این سند آمده است: «آقایان مهندس بازرگان، جوادی، علی اکبر امیرپیور و حسن صالحی، ساکنین مشهد، به تبلیغات ضد بهایی در مشهد و سبزوار و نیشابور و بجنورد می‌پردازند و [به] جمع‌آوری وجوهاتی مشغول هستند».^۷

برگزاری جشن‌های باشکوه نیمه شعبان

یکی از اقدامات علما و اقشار متدین ضد فرقه ضاله بهائیت در طول دوره نفوذ این فرقه در ارکان حکومت پهلوی، تلاش برای هر چه با شکوه‌تر برگزار کردن جشن‌های نیمه شعبان با استفاده از ظرفیت‌های مردمی بود. بر اساس یکی از اسناد ساواک به تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۴۳ به همین مناسبت «قاپبه مردم» جشن و چراغانی باشکوهی برگزار کرده‌اند. براساس این سند، حضرات آیات قمی و میلانی نیز جشنی بر پا کرده‌اند و برخی بازاریان طرفدار آنها تصاویری از آنان و نیز امام خمینی را تزیین نموده و در مغازه‌های خود نصب کرده‌اند. طبق این سند از طریق شهربانی به این مغازه‌داران ابلاغ گردید که تصاویر مزبور را جمع‌آوری کنند.^۸

آنجا به عمل نیامد و این خود، بهترین دلیل بر سرسپردگی رژیم محمدرضا پهلوی به صهیونیسم بین‌الملل و دشمنان اسلام بود.^۵

سخنرانی شریعتی کرمانی در منزل آیت‌الله

میلانی بر ضد بهائیت

بر اساس یکی از اسناد ساواک به تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۴۳، شریعتی کرمانی از سخنرانان و واعظان آن دوره، طی سخنرانی در منزل آیت‌الله میلانی از نفوذ بهائیت در ارکان حکومت انتقاد می‌کند. جالب‌توجه آنکه شریعتی کرمانی در این سخنرانی از جایگاه ملی آیت‌الله میلانی سخن می‌گوید و چنین اظهار می‌دارد که: «رهبر ملی و پیشوای بزرگ ملی امروز در خراسان آیت‌الله میلانی است».^۶

تشکیل جبهه واحد با همکاری آیت‌الله

قمی و امام خمینی ضد بهائیت

بر اساس سندی دیگر به تاریخ ۱۹ شهریور ۱۳۴۳ کارشناس ساواک جمع‌بندی خود از مجموع اطلاعاتی که داشت را چنین مکتوب کرده است که «روحانیون مشهد به رهبری آیت‌الله قمی و آیت‌الله سید هادی میلانی جهت عقیم نمودن فعالیت مذهبی پیرامون مسلک بهایی و مبارزه با طرفداران دولت اسرائیل در ایران و ادامه عملیات گذشته خود، جبهه واحدی تشکیل داده‌اند و تماس‌هایی به شرح زیر اخیراً حاصل شده است...».

براساس این سند میان حضرات آیات قمی و میلانی در مشهد و امام خمینی در قم روابط مشترک و مستقیم برقرار شده

بر اساس گزارشی دیگر در همین زمینه، طلاب شهر قم با برپایی جشن در مسجد اعظم، یاد امام خمینی را گرامی داشته‌اند. در این مراسم تمثال معظم‌له باشکوه خاصی وارد مسجد اعظم شد. حضور مردم قم نیز در این مجلس، چشمگیر بود.^۹

توجه به این نکته ضروری است که این اقدامات در شرایط صورت می‌گرفت که حدود ۴۰ روز از دستگیری دوباره امام خمینی در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ و تبعید ایشان به ترکیه گذشته بود.

گفتنی است بر اساس یکی از اسناد ساواک، شخصی به نام سید مهدی اوهب یزدی در آبان ماه ۱۳۴۵ طی نامه‌ای به محضر آیت‌الله میلانی، ضمن تشریح سابقه سوء بابیت و بهائیت در جاسوسی و خرابکاری در داخل و خارج کشور و اشاره به آمار

بالای مبلغان بهایی، درخواست می‌کند اولاً سامانه تبلیغی

تحت امر ایشان در این زمینه بیش از پیش کوشا باشد و ثانیاً با توجه به تقارن نیمه شعبان آن سال با مرگ عباس افندی پسر میرزا حسینعلی نوری، مشهور به بهاء‌الله و بنیانگذار بهائیت، پیشنهاد می‌کند که از سوی مسلمانان ابراز احساسات بیشتری صورت گیرد.^{۱۰}

مناسبات آیت‌الله میلانی و «انجمن ضدبهایی»

از برخی گزارش‌های منتشرشده در اسناد ساواک در مورد آیت‌الله میلانی، چنین برمی‌آید که معظم‌له بر عملکرد انجمنی بدون نام خاص، که در مشهد با نام‌های «انجمن اسلامی ضدبهایی»، «انجمن ضدبهایی»، «انجمن مهندس سجادی» یا «انجمن تبلیغات اسلامی» شناخته می‌شد، نظارت داشته‌اند. در این سند که به تاریخ ۲ دی ۱۳۴۸ در مورد فعالیت‌های شخصی به نام سعید سعیدی در تأیید ثبت شده، آمده است: «نامبرده توضیحاتی در مورد وجود یک جمعیت متشکل و متحد از متعصبین مذهبی در مرکز و بیشتر شهرهای مملکت داده و افزوده است: این جمعیت با شرایط و مقررات و آموزش پیگیر و ارتباط با آیت‌الله میلانی اداره می‌شود... که این مسئله درخور توجه و بررسی عمیق است،

و به‌ویژه توجه به این اصل که فعالیت انجمن در تهران و شهرهای شمال و آبادیه شیراز وسیع‌تر از دیگر نقاط است، و اکنون خود مهندس سجادی نیز در آبادیه شیراز حضور دارد و پیک‌های شهرستان‌ها از دانشجویان دانشگاه و دبیرستان علوی مشهد و مدرسه آیت‌الله میلانی (معمم و غیرمعمم) هستند».^{۱۱} این همان انجمنی است که بعدها به نام انجمن

آیت‌الله میلانی در جمع وعاظ و گویندگان خراسان که آقایان شیخ مرتضی شهیدی عیدگاهی، شیخ عبدالله یزدی، شیخ علی اکبر مدقق، شیخ محمد محدث و سید عبدالحسین ضیاء از جمله آنان بودند، فرمود: آیت‌الله بروجردی پرچم‌دار اسلام هستند. یاری ایشان، یاری دین و مذهب و مملکت است، پیام ایشان را به مردم برسانید و در این امر مهم یاری‌شان نمایید

حجتیه مشهور گردید.

گفتنی است بر اساس سند مورخ ۱۹ شهریور ۱۳۵۴ ساواک، پس از فوت آیت‌الله میلانی در مسجد جامع همدان، مجلس ختمی از طرف «جلسات مبارزه با بهاییان» برگزار شده است که سخنران آن موضوع درباره خطر گسترش بهائیت سخن گفته است.^{۱۳}

مکاتبات آیت‌الله میلانی با «شیخ محمود تولایی»

چهار مکاتبه آیت‌الله میلانی با مرحوم شیخ محمود تولایی، مشهور به حلبی، مؤید مناسبات نزدیک معظم‌له با انجمن حجتیه است. شیخ محمود تولایی پدر معنوی انجمن مزبور به‌شمار می‌آید. متن این مکاتبات، که در کتاب مکاتبات حضرت آیت‌الله‌العظمی میلانی منتشر شده است، نشان‌دهنده شدت علاقه آیت‌الله میلانی به شیخ محمود حلبی است.

آیت‌الله میلانی در مکاتبه نخست، که بدون تاریخ است، مخاطب نامه را با عبارت «جناب مستطاب، ذخر الأیام، حجت‌الاسلام، آقای حاج شیخ محمود حلبی دامت برکاته» خطاب کرده‌اند. در صدر نامه آمده است: «از درگاه متعال، استمرار نعمت وجود شریف عالی، با اقران به موجبات آسایش روحی و جسمی خواستارم». در متن نامه «توسل به ذیل الطاف و مراحم حضرت ولی عصر -عجل الله تعالی فرجه-» از جمله «خصایص پسندیده» مرحوم حلبی شمرده شده است.

آیت‌الله میلانی در پایان نامه آورده است: «مستدعی‌ام برای عافیت دنیا و آخرتم دعا نمایید. دمتم و دامت معالیکم...».^{۱۳} در دومین مکاتبه، که آن هم تاریخ ندارد، شیخ محمود حلبی با لقب «ملاذ الأنام» و «عماد الفضلاء و المحدثین» خطاب شده است. موضوع اصلی نامه «جناب ماجد محترم آقای سجادی -دام بقاه-» است. این شخص باید همان مهندس سجادی، مؤسس انجمن حجتیه باشد. آیت‌الله میلانی، به اجمال، مواضع شیخ محمود حلبی در مورد سجادی را تأیید کرده و نوشته‌اند: «حقیر اطلاع نداشتم از انحلال فروشگاه اطلس‌باف، دیشب که رقیمه سرکار رسید، مطلع شدم و از خداوند متعال به یمن توجه حضرت ولی عصر -ارواحنا فداه- مسئلت می‌نمایم موفق شوم به این خدمت که وسیله اقامت در مشهد مقدس فراهم آید».^{۱۴}

از این متن بر می‌آید استقرار مهندس سجادی در مشهد و فراهم آوردن زمینه فعالیت او، به سفارش شیخ محمود حلبی و مباشرت آیت‌الله میلانی محقق شده است. مکاتبه سوم به تاریخ ۲۷ شوال ۱۳۸۳ قمری از تهران انجام شده است. از آنجا که موضوع این نامه پرداخت مبالغی به مهندس سجادی و تلاش برای فراهم نمودن زمینه فعالیت اقتصادی او در مشهد است، باید پس از مکاتبه پیشین، که تاریخ ندارد، صورت گرفته باشد. آیت‌الله میلانی در این نامه وجود مهندس سجادی در مشهد را مغتنم شمرده است. وی

بدین نکته اشاره می‌کند که مهندس سجادی سهم امام نمی‌پذیرد و از این‌رو هزینه‌های مربوط به ایشان را از پول‌هایی که به صورت شخصی به ایشان می‌رسد و «اساس مصارف داخلی خودشان» است تهیه و پرداخت می‌کنند. همچنین اشاره شده است که گاهی برای تهیه این مبالغ قرض می‌کرده‌اند. همه این نکات نشان‌دهنده اهمیت فعالیت‌های مهندس سجادی از دیدگاه آیت‌الله میلانی است.

آیت‌الله میلانی در صدر و ذیل این نامه از اینکه شیخ محمود حلبی در حق ایشان، که چندین گونه مشغله و گرفتاری دارد و نیازمند یار و یاور است، کمتر «دعای صمیمی» می‌کند، گلایه کرده است. وی در این نامه انواع مشغله و گرفتاری‌های خود را چنین توصیف می‌کند: «امورات مهمه، چندین گونه، راجع به عوالم دینی و مذهبی و روحانیت و اهالی، فراگیر اوقاتم است و مساعد و معاضد کم دارم و نمی‌رسم». وی در خاتمه نامه آورده است: «دوام صحت و عافیت و آمادگی وجود شریف‌تان را به خدمات دینی و مذهبی تحت لوای مقدس مقام ولایت حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - خواستارم و مستدعی‌ام برای آسایش روحی و فکری حقیر بسیار دعا کنید...»^{۱۵} مکاتبه چهارم نیز بدون تاریخ است.

یکی از اقدامات علما و اқشار متدین ضد فرقه ضاله بهائیت در طول دوره نفوذ این فرقه در ارکان حکومت پهلوی، تلاش برای هر چه با شکوه‌تر برگزار کردن جشن‌های نیمه شعبان با استفاده از ظرفیت‌های مردمی بود. بر اساس یکی از اسناد ساواک به تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۴۳ به همین مناسبت «قاپه مردم» جشن و چراغانی باشکوهی برگزار کرده‌اند

آیت‌الله میلانی در این نگاشته شیخ محمود حلبی را با لقب «رکن الاسلام» خطاب کرده است. موضوع نامه تشکر از شیخ محمود و اعتذار از تأخیر در ادای آن است. در قسمتی از این نامه آمده است: «نسبت به جریانات حاضر، چنانچه نظری داشته باشید، مطلعم فرمایید. چه ایام عجیبی است و تشخیص وظیفه از عمل بدان مشکل‌تر است». معلوم نیست دقیقاً مراد آیت‌الله از جریانات

حاضر چیست. در متن نامه قرینه‌ای برای تشخیص آن نیافتیم. در این نامه نیز ایشان با اصرار از حلبی طلب دعای خیر کرده است که نشان‌دهنده جایگاه معنوی بالای حلبی نزد آیت‌الله میلانی است.^{۱۶}

از دیگر شواهد ارتباط وثیق میان فعالان انجمن حجتیه و آیت‌الله میلانی سندی به تاریخ ۱۴ آذرماه ۴۹ است که طی آن در جلسه هیأت مدیره دبیران علوم دینی، که در سند مزبور نام یک‌یک آمده است، چنین پیشنهاد می‌گردد که «چون شهر مشهد، شهری مذهبی است، باید ترتیبی داده شود تا دبیرستان مختلط علم منحل و باید [کذا] به دبیرستان دخترانه و پسرانه تقسیم شود». طبق این سند، سلیمان نژاد، رئیس آموزش متوسطه خراسان با این پیشنهاد مخالفت می‌کند، ولی اعضای جلسه موضع

مشرف شده بودند. از قرار معلوم، یک نفر از این گروه مازندرانی، که سابقه بهائیت داشت، در صدد تشرف به دین اسلام بوده است. در این مجلس، آیت‌الله میلانی کلمه شهادتین را به این فرد تلقین می‌کند و وی مسلمان می‌شود. در این مراسم سخن از حاضر کردن عکاس جهت تهیه عکس و انتشار در روزنامه مطرح بوده است.^{۱۸}

فتوا به منع خرید و فروش نوشابه پپسی‌کولا

در سندی از اسناد ساواک به تاریخ ۱۶ شهریور ۱۳۵۱ آمده است شخصی، اعلامیه‌ای از مشهد به تایید آورده که طی آن آیت‌الله میلانی از خرید و فروش نوشابه غیرالکلی پپسی‌کولا، به علت آنکه «مقداری از سود آن صرف اعانت به دستگاه تبلیغ فرقه بهایی می‌شود»، منع کرده‌اند. براساس همین سند در روز ۱۵ شهریور همان سال، محدثی، امام جماعت مسجد صاحب‌الزمان (عج) تایید، «ضمن سخنرانی گفته است مقداری از سود پپسی‌کولا صرف تبلیغ فرقه بهایی می‌شود و مسلمانان می‌توانند به جای آن از نوشابه‌های مشابه مانند کوکا، کانادا و غیره استفاده کنند». کارشناس ساواک ضمن تأیید صحت خبر، نمونه‌ای از اعلامیه را پیوست گزارش کرده است.^{۱۹}

از متن استفتای جمعی از مردم سبزوار از آیت‌الله میلانی چنین بر می‌آید در آن مقطع (بهار ۱۳۵۲ و احتمالاً خردادماه آن سال) اعلامیه‌ای مبنی بر جواز استفاده از نوشابه پپسی‌کولا با امضای مرحوم آیت‌الله

او را نمی‌پذیرند و تصمیم می‌گیرند نامه‌ای به امضای دبیران فقه برای آیت‌الله میلانی ارسال کنند. سلیمان‌نژاد پیشنهاد می‌کند «بهتر است به جای تهیه طومار با آیت‌الله کفایی تماس گرفته و از ایشان خواهش کنند تا از استاندار و دیگر مقامات مؤثر بخواهند که ترتیبی در این مورد داده شود؛ زیرا ابتدا به ساکن طومارنویسی صحیح نیست». ولی این پیشنهاد پذیرفته نمی‌شود. مهم این است که در پایان گزارش آمده است همه اعضا هیئت مدیره یادشده از اعضای برجسته کمیته ضد بهائیت هستند.^{۱۷}

چنانکه پیشتر هم اشاره کردیم، کمیته ضد بهائیت نام دیگر انجمن حجتیه است. بر اساس سند یادشده رهبر هیأت مدیره دبیران علوم دینی «تولایی، برادر شیخ محمود/محمدعلی حلبی» معرفی شده است که رهبر معنوی انجمن حجتیه بود.

به هر روی فارغ از انحراف فکری و سیاسی که انجمن حجتیه در اوایل پیروزی انقلاب دچار آن شد، اقدامات این مجموعه در مبارزه با بهائیت انکارناپذیر است و اسناد مورد مطالعه به خوبی اشراف و نظارت آیت‌الله میلانی بر این فعالیت‌ها را نشان می‌دهد.

تشرف یک بهایی به اسلام در منزل آیت‌الله میلانی

بر اساس سندی به تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۴۵ عده زیادی از طلاب مشهد و علما و طلاب زائر در منزل آیت‌الله میلانی جمع بوده‌اند؛ از جمله عده‌ای مازندرانی به خدمت ایشان

خوانساری و سه نفر از دیگر علما انتشار یافته است. اهل سبزوار در این استفتای از آیت‌الله میلانی، نخست از صحت یا بطلان این اعلامیه پرسیده‌اند و در وهله دوم، فتوای آیت‌الله میلانی را در موضوع «حلیت یا حرمت پیسی و دیگر نوشابه‌هایی که وابسته به شرکت زمزم و فرقه بهایی است، بلکه مطلق داد و ستد و ارتباط با این گروه» را جویا شده‌اند. آیت‌الله میلانی در پاسخ، مرقوم داشته‌اند: «البته شخصی که علاقمند به اسلام بوده باشد از خوردن و دادوستد با پیسی‌کولا و امثال آن باید بپرهیزد، و اعلامیه مرسله مجعول است و ممکن نیست حلیت و جواز آن را احدی بگوید، درحالی‌که مطلع به حقیقت امر بوده باشد». تاریخ این پاسخ ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۹۳ قمری مصادف با ۲ تیر ۱۳۵۲ بوده است.^{۲۰}

در صفحه ۵۶۰ همان کتاب تصویری از یک برگ استفتا درج شده است که از نکته دیگری پرده برمی‌دارد. در این استفتا، سید مجدالدین مصباحی از شیراز اشعار می‌دارد: «چون در اثر تحریم پیسی‌کولا و نوشابه‌های غیرالکلی وابسته به فرقه بهایی، متدینین و مردم متدین از خرید و فروش و خوردن آنان پرهیز کرده‌اند، به نحوی که آن فرقه برای اغفال مردم عوام به فتوای دروغ و نشر اکاذیب متوسل شده‌اند، از این‌رو متمنی است نظر صریح خود را درباره پیسی، کولا و چند نوشابه دیگر مانند شوئپس، اسو و غیره که مسلم است به فرقه ضاله تعلق دارد و از این طریق به فعالیت تخریبی وسیعی

در ایران و بالخصوص شیراز دست زده‌اند، مرقوم فرمایید، تا بیش از پیش جامعه اسلامی با عزم راسخ از خرید و فروش و خوردن این گونه نوشابه‌های غیرالکلی خودداری جدی کنند».^{۲۱} بر اساس دو سند اخیر مشخص می‌شود نه‌تنها مردم مسلمان بر اساس فتوای مرجعیت از مصرف نوشابه‌های مزبور امتناع ورزیده‌اند، بلکه بهاییان برای دفع این حربه به دروغ متوسل شده‌اند و فتوا یا فتاوایی ساختگی در باب جواز مصرف و خرید و فروش آن نشر داده‌اند. آیت‌الله میلانی در پاسخ به این استفتا مرقوم فرموده‌اند: «البته هر فردی که علاقه‌مند به اسلام است و به حضرت مهدی امام عصر^ع عقیده دارد باید از این نوشابه‌های نامبرده و نوشیدن و خرید و فروش آنها خودداری کند».^{۲۲}

بر اساس سندی دیگر به تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۵۲، اداره کل سوم ساواک از ساواک خراسان درخواست کرده است ابتدا با پرسش از آیت‌الله میلانی از صحت انتساب استفتای یادشده به ایشان اطمینان حاصل کنند، در صورت احراز آن به ایشان تذکر داده شود این اقدام «با توجه به مصالح عالیۀ مملکتی صحیح نبوده است».^{۲۳}

اینکه در این سند، اقدام ضد فعالیت‌های اقتصادی سودآور بهائیت بر خلاف مصالح عالیۀ مملکتی عنوان شده است، عجیب می‌نماید. این نکته می‌تواند از عمق سرسپردگی رژیم پهلوی به فرقه‌های انحرافی خدمت‌گزار استکبار پرده بردارد.

دست نیافتیم.

تربیت شاگردان و هدایت عملیات تبلیغی ضد بهائیت

مطالعه تاریخ و سیره عملی آیت‌الله میلانی نشان می‌دهد آن مرحوم در زمینه مبارزه با بهائیت اقدامات سازمان‌دهی شده نسبتاً وسیعی را مدیریت می‌کرده‌اند؛ از جمله تربیت نیروی انسانی زبده برای مناظره با بهاییان و اعزام آنان به مناطق محل

فعالیت فرقه ضاله.

در این بخش به معرفی یکی از این شاگردان می‌پردازیم. والد ماجد اینجانب، مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر غفوری‌نژاد، در سال ۱۳۱۵ در یکی از روستاهای سبزوار متولد شد و در ایام نوجوانی برای تحصیل علوم حوزوی به سبزوار و پس از آن به مشهد مقدس عزیمت کرد.

در دوران حضور در مشهد مقدس، از محضر بزرگانی همچون: آیت‌الله‌العظمی سید هادی میلانی، آیت‌الله‌العظمی سید عبدالله شیرازی، آیت‌الله حاج شیخ مجتبی قزوینی، آیت‌الله سید حسین شمس، آیت‌الله حسنعلی مروارید، آیت‌الله میرزا جواد آقا تهرانی بهره برد. بخشی از تقریرات دروس آیت‌الله میلانی به خط ایشان و با تقریظ مرحوم آیت‌الله سید ابراهیم علم‌الهدی (سبزواری)، که از شاگردان خاص آیت‌الله میلانی بودند، موجود است. در یکی از این تقریظات ایشان آرزو

در سندی از اسناد ساواک به تاریخ ۱۶ شهریور ۱۳۵۱ آمده است شخصی، اعلامیه‌ای از مشهد به تایید آورده که طی آن آیت‌الله میلانی از خرید و فروش نوشتابه غیرالکلی پیسی کولا، به علت آنکه «مقداری از سود آن صرف اعانت به دستگاه تبلیغ فرقه بهایی می‌شود»، منع کرده‌اند.

ساواک خراسان در ۲۲ مرداد

همان سال در پاسخ به این درخواست از قول آیت‌الله میلانی چنین گزارش کرده است که: «از یکی از شهرستان‌های ایران سئوالی درباره نماز و مسائل مربوط به آن و مصرف پیسی شده است که من در جمع به آن پاسخ دادم و قرار نبود که این نوشته تکثیر و یا توزیع گردد».

آن گاه رئیس ساواک خراسان آورده است: «به نامبرده تفهیم شد که در شرایط فعلی که عوامل مخالف وسیله‌ای برای تحریک افکار مردم ندارند به این حیل متوسل شده و مسئله بهایی را عنوان می‌کنند و آقا باید متوجه باشد که گول این گونه افراد ظاهرالصلاح را نخورند و امضایی ندهند که مورد گله و یا سوءتفاهم باشد. ایشان قول دادند که دیگر این نوع موضوعات تکرار نخواهد شد.»^{۲۴}

همچنین در سندی به تاریخ ۱ آبان ۱۳۴۸ این نکته منعکس شده است که انجمن مبارزه با بهاییان کرمانشاه از آیت‌الله میلانی در مورد چگونگی معاشرت با بهاییان استفتا کرده‌اند و معظّم‌له بدان پاسخ داده است. در این سند که فرستنده و مخاطب آن روشن نیست، خواسته شده است که تصویری از متن استفتا و پاسخ آن تهیه و به سرعت ارسال گردد.^{۲۵} در این باره به توضیح بیشتری

می‌کنند که کاش تمام مباحث درس آیت‌الله میلانی توسط مرحوم غفوری‌نژاد تقریر می‌شد و این تقریرات ادامه می‌یافت.

حجت‌الاسلام والمسلمین غفوری‌نژاد همچنین از دروس آیت‌الله‌العظمی وحید خراسانی در مشهد بهره برد. خودش می‌فرمود: «با انتقال آیت‌الله وحید از مشهد به قم، اینجانب به نمایندگی از طلاب مشهد، برای دعوت مجدد ایشان به مشهد، به قم رفتم و خدمت ایشان رسیدم و عرض حاجت کردم. آیت‌الله پس از آنکه علت عزیمت خود به قم را بیان کردند، به من فرمودند: تو هم برو زندگیت را به قم منتقل کن! هزینه‌هایت را نیز من متکفل می‌شوم! به ایشان عرض کردم که من فعالیت‌های اجتماعی و تبلیغی دارم و نمی‌توانم به قم بیایم».

اسوه اخلاق آیت‌الله میرزا جواد آقا تهرانی هم به آن مرحوم عنایت داشت. حجت‌الاسلام غفوری‌نژاد در این زمینه می‌فرمود: «من در آن زمان از معدود طلابی بودم که خودروی سواری داشتم. مرحوم میرزا جواد آقا وقتی تمایل داشت به دیدن شخصی یا مکان خاصی برود، طی تماسی تلفنی متواضعانه به من می‌فرمود: مایل هستید فلان جا برویم؟ من هم بی‌درنگ اجابت می‌کردم!» شاید مهمترین فعالیت تبلیغی مرحوم غفوری‌نژاد، مبارزه با فرقه ضاله بهائیت در مناطق مختلف و به‌ویژه شمال کشور (منطقه عرب‌خیل بابل‌سر) بود که تحت نظارت حضرت آیت‌الله میلانی انجام می‌شد.

در طول مدت خدمات تبلیغی، مکاتباتی با حضرات آیات عظام میلانی، خویی، شاهرودی (حاج سید محمود)، سبزواری (حاج سید عبدالاعلی) و حکیم (حاج سید محسن) داشت و گزارش فعالیت‌های خود را ارائه می‌کرد. پاسخ حضرات آیات به مکاتبات ایشان -که اکنون موجود است- از اهمیت فعالیت‌های تبلیغی ایشان نشان دارد. جمع قابل‌توجهی از بهاییان تحت‌تأثیر ارشادات ایشان به اسلام گرویدند. آن مرحوم آلبومی قدیمی داشت که در آن تعداد زیادی عکس یادگاری از بهاییانی که به دست ایشان مسلمان شده بودند، نگهداری می‌کرد. نگارنده در سال‌های دور این آلبوم و تصاویر یادگاری موجود در آن را دیده بود. حجت‌الاسلام غفوری‌نژاد خاطرات زیادی از مباحثات، مناظرات و درگیری با بهاییان داشت که متأسفانه نسبت به ثبت و ضبط آن اقدامی صورت نگرفته است.

از دیگر فعالیت‌های ایشان هدایت جمعی از شیعیان اسماعیلی گناباد به مذهب حقه اثنی‌عشری بود. صورت اقرارنامه تعدادی از این افراد، که طی آن استبصار خود را اعلام کرده‌اند، موجود است.

نگارنده و دیگر مرتبطان با آن مرحوم خاطره‌ای را که ایشان از آیت‌الله میلانی نقل می‌کرد، بارها شنیده‌اند. می‌فرمود: «روزی به منزل آیت‌الله میلانی رفتم. جز من و ایشان کسی حضور نداشت. آیت‌الله فرمودند: حال که کسی حضور ندارد، می‌خواهم پیمانی با شما ببندم؛ در قیامت اگر من اهل نجات

رانندگی از دست داد. چنانکه از یکی از مکاتبات ایشان با مرحوم آیت‌الله خویی برمی‌آید، بخشی از فعالیت‌ها و خدمات تبلیغی ایشان در بندر شاهپور انجام شده است.

مرحوم غفوری‌نژاد در دوران نهضت امام خمینی فعالیت‌های قابل‌توجهی ضد رژیم داشت. وی در زمان حکومت رژیم ستم‌شاهی در سفری به لبنان، بیست جلد از کتاب ولایت فقیه امام خمینی علیه‌السلام - که از کتب ممنوعه در ایران بود- را به همراه یک قبضه سلاح ژ-۳، از طریق مرز زمینی وارد کشور کرد و به توزیع کتاب‌ها میان طلاب همت گماشت. نحوه گذر از مرز، داستان مفصلی دارد که مجال بیان آن نیست. خودش می‌فرمود: این در زمانی بود که وقتی این کتاب‌ها را به بعضی دوستان می‌دادم، مطالعه کنند، بعضاً قبول نمی‌کردند و می‌گفتند ما از نگهداری این کتاب در منزل بی‌مناکیم!^{۲۶}

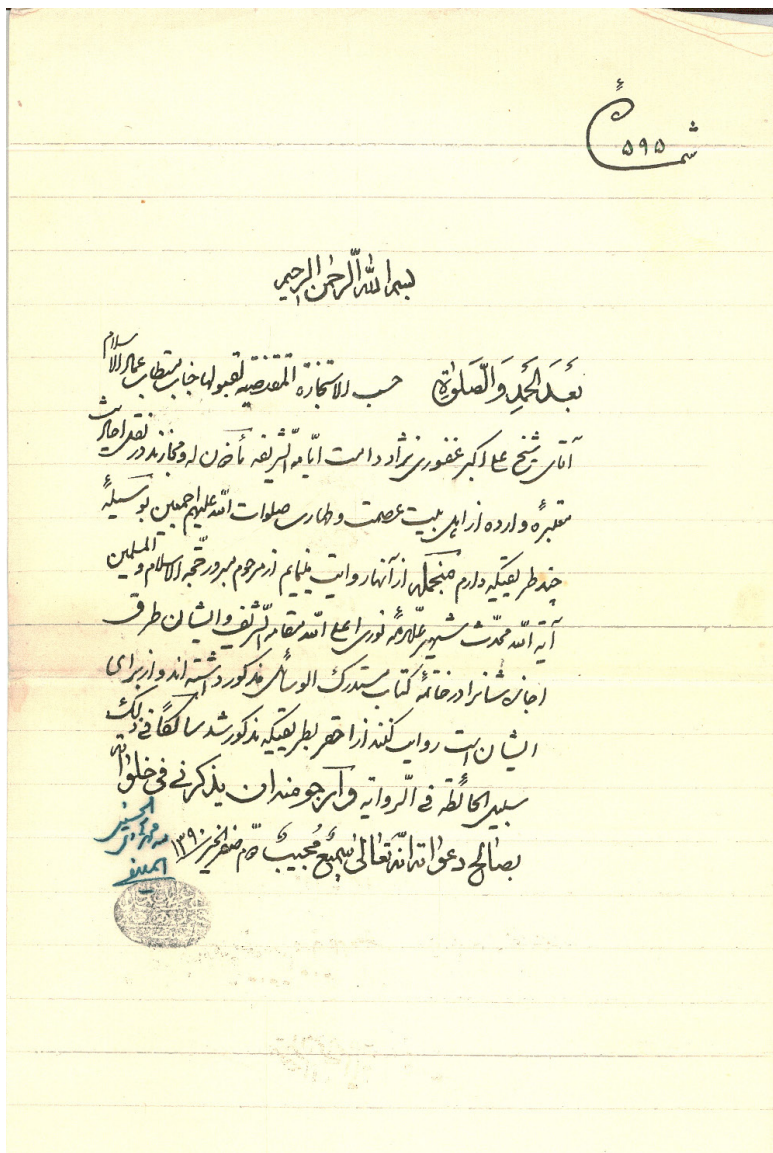
بودم تعهد می‌کنم که شما را شفاعت کنم، شما هم تعهد کنید که اگر اهل بهشت بودید، مرا شفاعت کنید!»

به نظر می‌رسد جایگاهی که حضرت آیت‌الله میلانی برای مرحوم والد قائل بودند، به خاطر خدماتی بود که آن مرحوم در مبارزه با بهاییان انجام داده بود. اخوی آن مرحوم و عموی اینجانب، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدعلی غفوری‌نژاد می‌فرمود: «از سبزوار به مشهد رفته بودم و پدرت مرا به دیدن آیت‌الله میلانی برد. ایشان ضمن تجلیل از پدر شما فرمود: اگر من چند نفر مثل اخوی شما داشتم، مشکلات کمتری داشتم و امورم بهتر پیش می‌رفت».

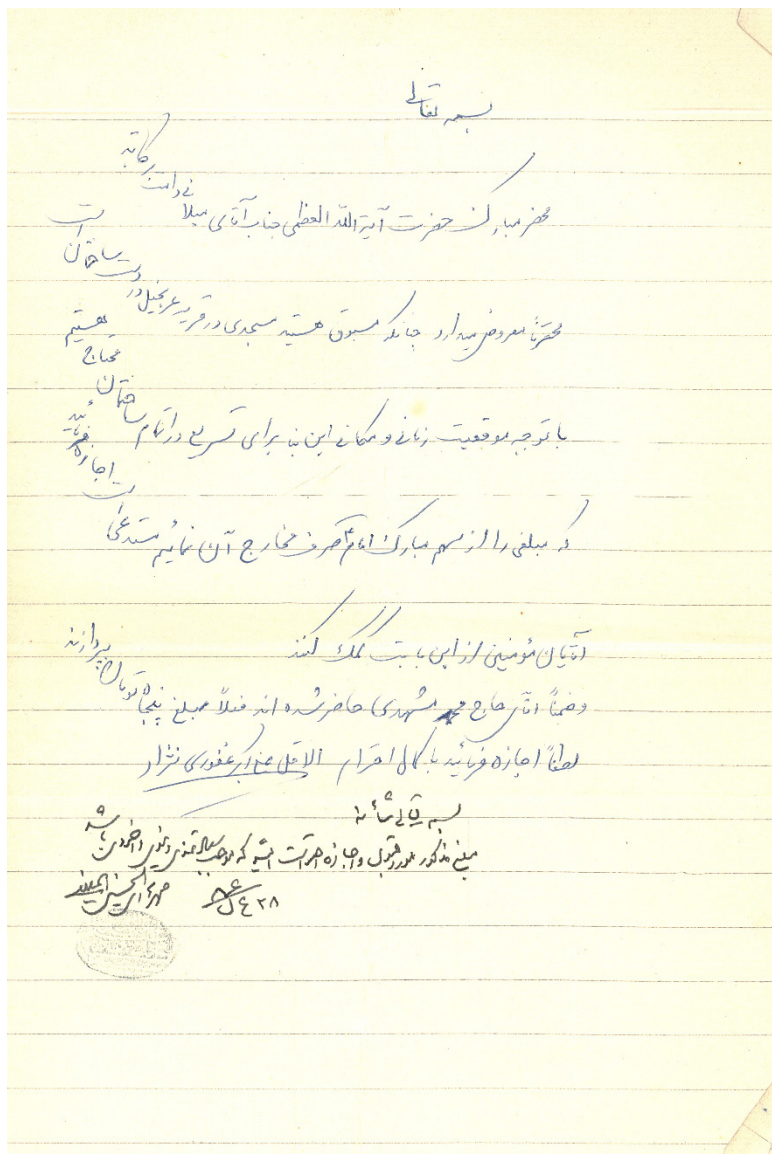
وی مدت هفت سال را دور از خانواده در بندر شاهپور سابق (بندر امام خمینی فعلی) به تبلیغ مشغول بود و در یکی از همین سفرهای تبلیغی نوجوان سیزده‌ساله خود را در سانحه

۲. مکاتبات و اسناد

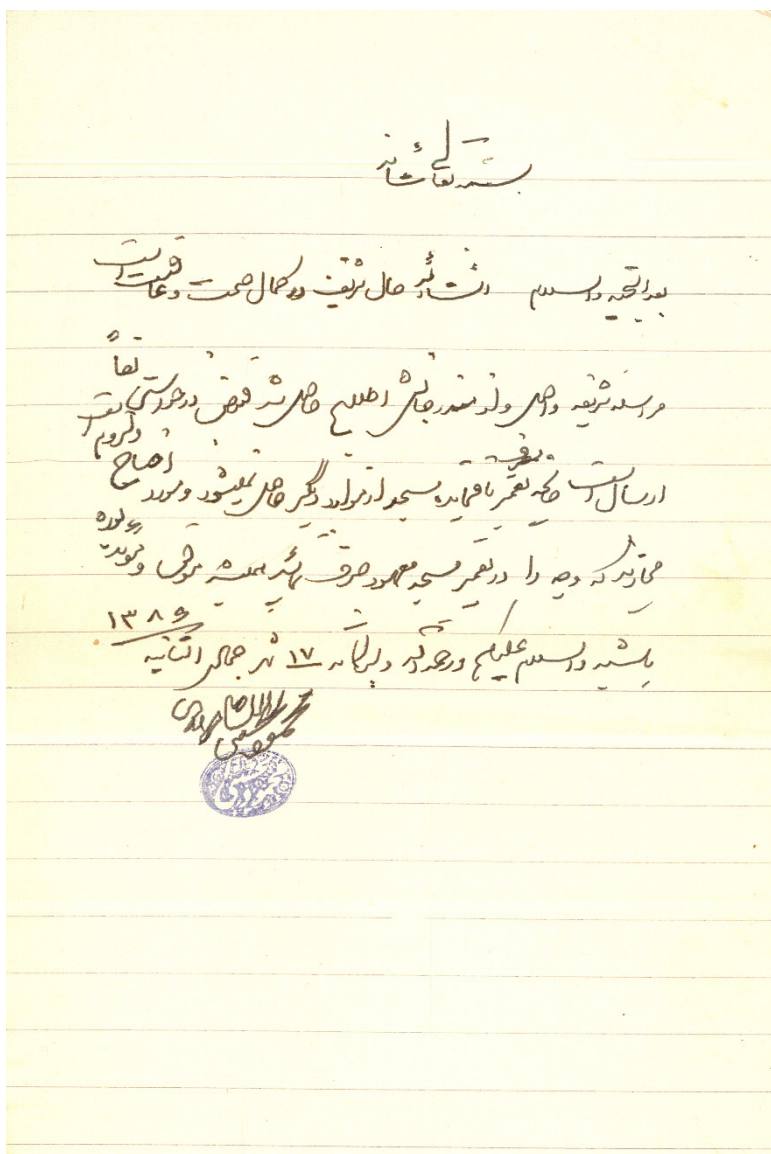
در این بخش برخی مکاتبات و اسناد مربوط به فعالیت‌های مرحوم حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر غفوری نژاد تحت اشراف حضرت آیت الله العظمی میلانی برای نخستین بار منتشر می‌شود.



اجازه روایت از حضرت آیت الله العظمی میلانی

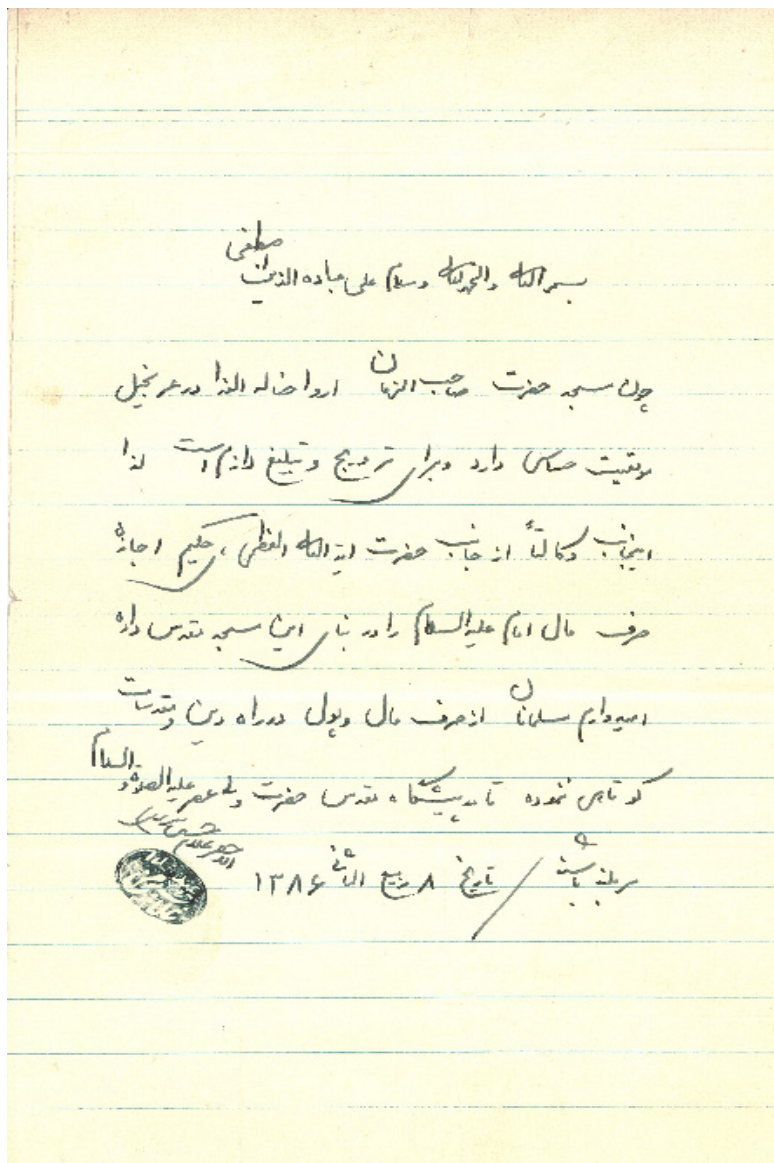


استجازه از آیت الله میلانی برای صرف سهم امام در ساخت مسجد صاحب الزمان علیه السلام عربخیل و اجازه ایشان. گفتنی است روستای عربخیل از توابع بابلسر، از اماکنی بود که بهاییان در آن فعالیت چشمگیری داشتند و مرحوم غفوری نژاد مدت ها در آنجا به مبارزه با این فرقه مشغول بود. در متن نامه اشاراتی به حساسیت زمانی و مکانی این مسجد شده است.



نامه و اجازة آیت الله شاهرودی برای صرف وجوه شرعی در بنای مسجد عرب خیل

هرچند در متن نامه سخنی از مسجد صاحب الزمان علیه السلام عرب خیل به میان نیامده است، ولی با توجه به نزدیکی تاریخ این نامه با اجازات و نامه‌های مربوط به آن مسجد، معلوم می‌شود این مکاتبه نیز در همین خصوص بوده است.



اجازه‌ی یکی از وکلای مرحوم آیت الله حکیم برای صرف وجوهات شرعی در ساخت مسجد صاحب الزمان علیه السلام عرب خیل در این متن نیز به حساسیت منطقه اشاره‌ای شده است.

بسم الله تعالی

السلام علیکم ایة الله بنیج توجبات حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در کمال
صحت و عافیت باشد ما بر ریخته گردید و صبر و برضخون آن اطلاع حاصل شد
از اینکه بجد الله در عزیمت انجام وظیفه نمایند و مؤمنین از محضر شرف و بیانات
سودمند آن بهره مند میگرددند خوشوقت شدیم خبر آنکه الله عن السلام و علیه السلام
سلام و تحیت به همه مؤمنین دارم و برابر همگان دعا می نمایم و امید دارم
بثبات قدم و تشریک مساعیر و اهتمام در امور دین و دهر باشد آیه مبارکه
و لولای الله لفرقتکم و لولا ان الله یؤتیکم فیضه لفرقتکم و لولا ان الله
یؤتیکم فیضه لفرقتکم و لولا ان الله یؤتیکم فیضه لفرقتکم

نامه تشکر آیت الله العظمی میلانی از خدمات مرحوم غفوری نژاد در عرب خیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السلام علیکم
امید کنی به توجّه حضرت ولی عصر ارواحنده موفق و
نجات دهنده و مدبر بوده گمانی نباشد بار بر مقدم گیرم یا رب الطاف مند
موجب لشکر و از رحمت جنابا لے بسر تقدیر شود امید است مورد قبول آید
حضرت بقیه الله عمر الله تالی فیه اثر نفی قرار گیرد و از امید وضع دین و دنی
در انصوب حضرت نبی موجب تألف و تأثر است و در حصول و لا قوه
الله با الله العظیم دست و دل هم ارجاء رواست بر سر جنابا لے نوشته جو با
فرستاده شود خواهشمند در صلوات دعوات و ملاقات فرمایند
بسم الله الرحمن الرحیم

نامه تشکر دیگر از سوی آیت‌الله میلانی

بسم الله تعالی

السلام علیکم الله لانه بنیمه تو جهات حضرت ولی عصر ارواها فداه در کمال
صحت و عافیت بهم برپا شد منوق بمقامات دین و دهر بهر باشد بار مردم کریم
نعمت و برضوی آن اطلاع چهر شد بجد الله در غش و چهره ها شاد
برابر زلزله زدگان فاجعه خراسان مشغول باشیم دعا فرایده سلام و تحیت و
بروئین محرم دامت توفیقها تم دارم دعا نموده تمس دعا میم سه موده در سحر الحسین

نامه ای دیگر از آیت الله میلانی

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(خراسان)
مدرسه آیت الله میلانی
تأسیس بیستم المولد
۱۳۸۶
تیر ۱۳۴۵

شماره تفن ۲۹۰۷
شماره (۴۹)
تاریخ ۵۰/۳/۱
۲۶ ربیع الاول سنه
۱۳۹۱ هجری

جناب آقای علی اکبر غفوری نژاد
معدل امتحان نهائی
سال ۱۳۹۰ هجری جنابعالی
موجب جایزه استلام
از طرف کتابخانه مدرسه
جایزه ذیل بجنابعالی اهداء میگردد

امتحان جزوه
مدیر مدرسه

۱ - المبسوط
۲ - کمال اندین صدوق

محمد حسین - ایمانی
میانمینی
۲۱

نامه اهدای جایزه از طرف مدرسه آیت الله میلانی

بسم الرحمن الرحيم

بعض عارضه نه $\frac{1}{\sqrt{2}}$ المتقال مورد توجهات خاصه

۲۰۰۰

و موصوعه بتدريج شرح الدرر فدايد بود و ايل الامان

و محاسبان شرکاء در دفتر معارف شرعیه بمقتضای آراء

فروانده اسید مرتفع تر شرف و اصل راجع بالمدعیه

اندر این روز یک ملت را می بینیم عهد الاهی

النفوس

٢٤١٥

95

نامہ آیت اللہ سید عبدالاعلیٰ سبزواری دربارهٔ ادای قروض و ابلاغ سلام بہ آیت اللہ میلانی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه
 محمد وآله الطاهرين ولعباد صبايخها مروج الامام
 ثقت الاسلام شيخنا اكبر غفوري شهادت دام توفيقه از طرف
 انجانب مجاز و فاوون بياره در تصدی نور حسیه که سلفان
 قعیه تابع الشراط است و نیز مجاز و فاوون است آنچه از امام
 امام علیه السلام دریافت نموده بود که ثلث آن را در بوار
 شرعی صرف نماید و دو ثلث دیگر را جهت حفظ و اقامه حوزه
 علمیه با انجانب اعیان نماید و قیمن رسید تمام وجه اخذ نماید
 و عود برساند و اوصیه ببلایه السعوی بملوک سبیل الامتداد
 و سبیل النجاة و السلام علیه و علی جمیع اشرافنا المؤمنین و علیهم السلام
 فی ۲ ربیع الثانی ۱۳۹۳ هجری



اجازة روایت و امور حسبیه مرحوم آیت الله خویی

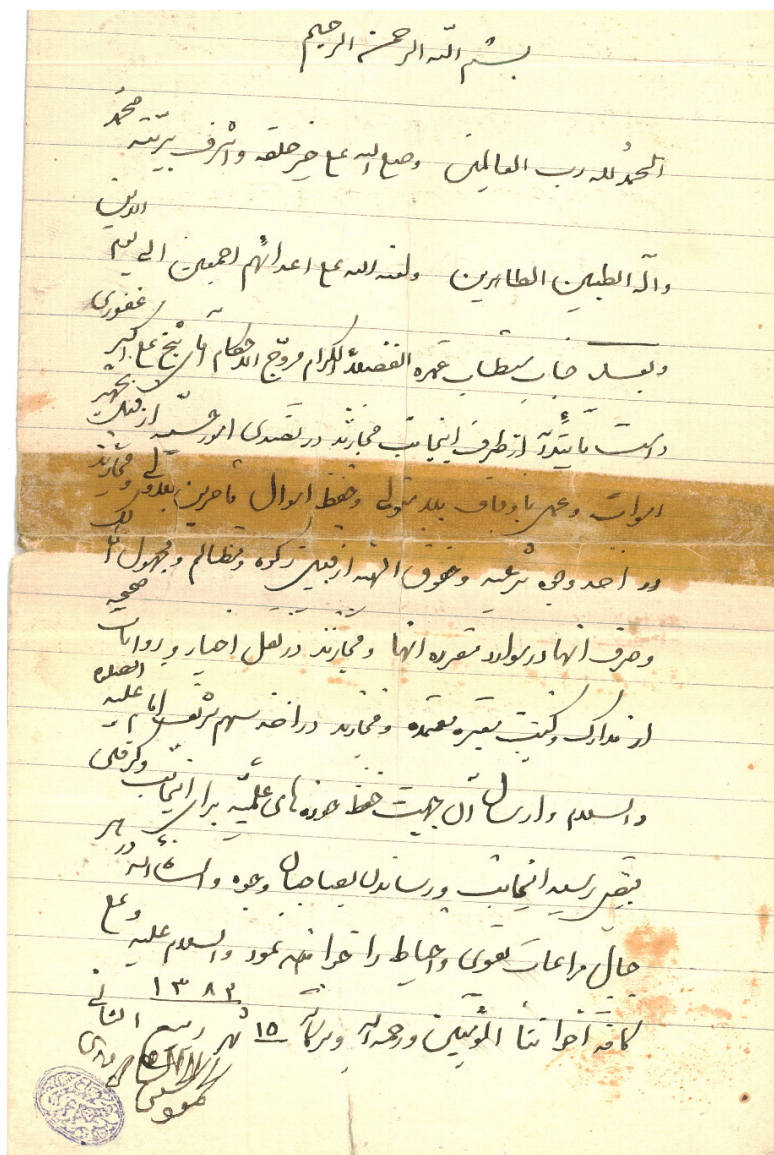
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه
محمد وآله الطیبین الطاهرین . وبعد فان جناب العالم الفاضل
الکامل ثقة الاسلام ومرجع الأحکام عباد العلماء الشیخ علی اکبر
القمی زاده است تأییداته قد صرف برهه من عمره الشریف
فی تحصیل المعارف الشرعیة والعلوم الدینیة فجزاه الله تعالی خیراً
ورفع له ذکراً . وحيث قد استجارت حفظه الله تعالی فی نقل النقا
والروایات فقد أجزت له ان یروی عنی الأحادیث المصنوعة
فی الأصول الدربعة القديمة والجامع المتأخره عن مشایخی
العظام المنتهیه الی الشیخ الأجل المحدث النورانی قدس سره
ومنه الی قهابط الوفی ومعادن العلم بطرقه المذکوره
فی خاتمة المستدرک . وأوصیه بملأزمة التقوی
فی جمیع الحالات وأن لذینان من صالح رعااته لما

لأنه انشاء الله تعالی ۲۰ ج ۲ عبد الاعلی الموسوی
الزادری ۱۳۹۳



اجازة روايت مرحوم آيت الله سيد عبدالاعلی سبزواری



اجازه روایت و امور حسبيه از مرحوم آیت الله سید محمود شاهرودی

نتیجه‌گیری

آنان، استفاده از همه ظرفیت‌های در اختیار مرجعیت حتی مجالس مذهبی برپاشده در بیت ایشان، برگزاری باشکوه جشن‌های نیمه شعبان، راهبری و اشراف بر برخی اشخاص و تشکل‌های فعال ضدبهائیت، تمجید از بهاییان مستبصر، فتوا به محدودیت ارتباط با بهاییان و منع خرید کالاهایی که سود آن به پیروان این فرقه ضاله می‌رسد و در نهایت تربیت شاگردان و اعزام آنان به مناطق تحت تأثیر بهائیت. این مطالعه هرگز ادعای استقصای مطالب در این موضوع را ندارد و تنها در پی پرتوافکنی محدود بر این جنبه از حیات آن مرجع والامقام بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. تاریخ دسترسی: ۱۴۰۴/۵/۱۷
۲. آیت‌الله‌العظمی سید محمدهادی میلانی به روایت اسناد ساواک، ج ۲، ص ۵۶.
۳. همان، ج ۲، ص ۱۱۸.
۴. همان، ج ۲، ص ۲۴۳.
۵. غلامرضا کرباسچی، هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۰۶.
۶. آیت‌الله‌العظمی سید محمدهادی میلانی به روایت اسناد ساواک، ج ۲، ص ۵۱۹.
۷. همان، ج ۲، ص ۳۵۹.
۸. همان، ج ۳، ص ۶۵۰.
۹. مهدی مهریزی و هادی ربانی، مکاتبات حضرت آیه الله العظمی سید محمدهادی میلانی، صص ۲۶۳-۲۶۴.
۱۰. همان، ص ۲۶۶.
۱۱. همان، صص ۲۶۸-۲۶۹.
۱۲. نک: همان، ص ۲۷۱.

۱. سید موسی شبیری زنجانی، جرعه‌ای از دریا، ج ۲، ص ۵۷۸.
۲. تقی خادم، اسناد حضرت آیت‌الله‌العظمی سید محمدهادی میلانی... صص ۸-۹.
۳. گزارش اقدامات آیت‌الله میلانی در این بخش، با اندکی تصرف، از وبلاگ faghihsabzevari.blogfa.com/post/1307 تاریخ دسترسی ۱۴۰۴/۵/۱۷ برگرفته شده است.
۴. بنگرید به: استفتائات متعدد از آیت‌الله میلانی درباره مصرف نوشابه‌هایی از شرکت زمزم متعلق به بهاییان و پاسخ ایشان مبنی بر منع مصرف این محصولات و واکنش ساواک به این اقدام در ادامه همین نوشتار.
۵. محمد فقیه سبزواری، وبلاگ faghihsabzevari.blogfa.com/post/1307

یافت و در جریان یک عملیات شناسایی به مجروحیت شدید و درجه جانبازی انجامید. از ایشان آثاری به یادگار مانده است:

تقریرات درس فقه و اصول آیت الله میلانی.

کتابی در تاریخ و نقد بابیت و بهائیت.

قضا در اسلام (ناتمام).

مقالاتی در باب جهاد و شهادت که یادگار

ایام جبهه و جنگ است.

مباحثی در باب سابقه علوم در تمدن

اسلامی.

مباحثی در باب «امام زمان» از نگاه

آیات قرآن»

جزوه‌ای در مبادی اصول فقه

ایشان از حضرات آیات عظام: خوئی،

میلانی، سبزواری (حاج سید عبد الاعلی) و

شاهرودی اجازه نقل روایت و تصدی امور

حسبیه داشت. آن مرحوم سرانجام در تاریخ

۸۹/۲/۷ مصادف با ایام شهادت حضرت

صدیقه کبری (ع) دعوت حق را لبیک گفت

و به دیدار معبود شتافت. بنگرید به: سید

مهدی طباطبایی، خرافه ستیز نستوه (مروری

بر زندگانی و فعالیت‌های حجت‌الاسلام

والمسلمین علی اکبر غفوری نژاد ضد بهائیت)

صص ۱۱۰-۱۱۱.

۱۷. حضرت آیت الله العظمی سید محمد هادی

میلانی به روایت اسناد ساواک، ج ۳، ص ۴۷۰.

۱۸. همان، ج ۲، ص ۴۷۱.

۱۹. همان، ج ۳، ص ۵۳۷.

۲۰. همان، ج ۳، ص ۶۰۶.

۲۱. همان، ج ۳، ص ۵۶۰.

۲۲. همان.

۲۳. همان، ج ۳، ص ۵۵۹.

۲۴. همان، ج ۳، ص ۵۶۶.

۲۵. همان، ج ۲، ص ۵۰۸.

۲۶. مرحوم غفوری نژاد در سال‌های

نخست پس از پیروزی انقلاب بنا به اقتضای

تکلیف، در دوائر مختلفی همچون استانداری

مازندران، سازمان پژوهش‌های علمی و

صنعتی ایران و ... به فعالیت پرداخت. تا

اینکه در سال‌های آغازین دهه شصت، به

دعوت شخصی رییس وقت قوه قضائیه

مشغول خدمت در این قوه شد و به خاطر

مراتب فضل و علمش، از روز نخست منصب

قضاوت را تصدی کرد. وی در هنگام رحلت

ریاست شعبه ۱۳ دادگاه تجدید نظر استان

خراسان را بر عهده داشت. در طول دفاع

مقدس، به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل

عزیمت کرده و در خط مقدم جبهه حضور

منابع

۱. خادم، تقی (به کوشش)، اسناد حضرت آیت‌الله‌العظمی سید محمدهادی میلانی به روایت اسناد منتشرنشده ساواک، قم: سهل، ۱۳۹۵.
۲. شبیری زنجانی، سید موسی، جرعه‌ای از دریا، ج ۲، قم: مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، ۱۳۹۰.
۳. طباطبایی، سید مهدی، خرافه ستیز نستوه (مروری بر زندگانی و فعالیت‌های حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر غفوری نژاد ضد بهائیت)، قم، دبیرخانه همایش «بهائیت، ۲۰۰ سال خرافه، خشونت و خیانت»، ۱۳۹۸.
۴. کرباسچی، غلامرضا (زیر نظر)، به کوشش بخش خاطرات بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، تهران: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۷۱.
۵. مرکز بررسی اسناد تاریخی، حضرت آیت‌الله‌العظمی سید محمدهادی میلانی به روایت اسناد ساواک (سه جلد)، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱.
۶. مهریزی، مهدی و ربانی، هادی (به کوشش)، مکاتبات حضرت آیت‌الله‌العظمی سید محمدهادی میلانی، قم: نشر سهل، ۱۳۹۶.